

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: جفری زاکس - Jeffrey D. Sachs

برگردان از: م. ن.

۱۴ مارچ ۲۰۱۶



مداخلات غرب در جهان اسلام

قرن جدید برای شرق میانه

به تکرار ایالت متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و نهاد های غربی مانند بانک جهانی می پرسند، که چرا شرق میانه توان حکومتداری بالای خود را ندارد. "جفری زاکس" در مقاله خود به این نظر است، که عوامل زیاد آن مربوط به شکست سیاست های غرب در شرق میانه ست.

بزرگترین مانع برای حکومتداری خوب در منطقه، عدم خودمختاری دولت ها بود: مداخلات مکرر آمریکا و اروپا. تا ختم جنگ جهانی اول و در بعضی نقاط حتی قبل از آن- نهاد های سیاسی را در منطقه فلج ساختند.

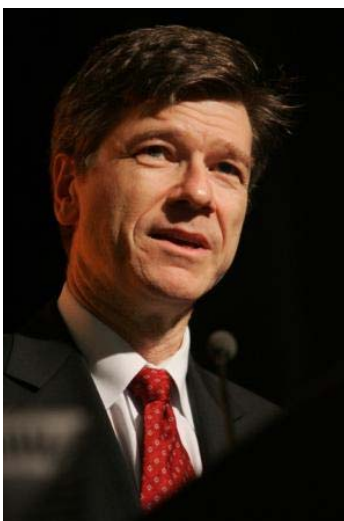
یکصد سال کفایت. سال ۲۰۱۶ باید آغاز قرن جدید برای خودمختاری سیاست شرق میانه باشد و به صورت جدی بالای دشواری های "توسعه پایدار" متمرکز باشد.

سرنوشت شرق میانه در صد سال گذشته در نومبر ۱۹۱۴ تعیین شد - زمانی که امپراتوری عثمانی در جنگ اول جهانی شکست خورد. این امر منجر به انحلال آن [امپراتوری عثمانی] شد و قدرت های پیروز جنگ مانند بریتانیا و فرانسه کنترل بقایای آن را به دست گرفتند. بریتانیا که از سال ۱۸۸۲ در مصر حکومت می کرد، در عراق، اردن،

اسرائیل و فلسطین نیز فرمان می راند، در حالی که فرانسه، علاوه بر مستعمرات خود را در شمال افریقا، لبنان و سوریه را نیز تحت کنترل داشت.

مداخله گری غرب

دولت های بریتانیا و فرانسه جهت استحکام قدرت شان بالای چاه های نفت، بنادر ساحلی، راه های بحری و سیاست خارجی کشور های منطقه، ظاهراً از احکام و قوانین (ساخته خود شان، از مترجم) جامعه ملل استفاده ابزاری کردند. در منطقه ای که فعلاً عربستان سعودی قرار دارد، بریتانیا بنیادگرائی وهابی را تحت فرمان "ابن سعود" علیه اسلام ملی گرای "پادشاهی هاشمیان" در حجاز تقویت کرد.



" جفری زاکس " پروفیسر در رشته "توسعه پایدار" و مشاور ویژه سکرتر جنرال ملل متحد، در رشته " اهداف توسعه - هزار ساله " است.

بعد از جنگ جهانی دوم، سنت مداخله گری [در شرق میانه] را ایالت متحده آمریکا به دست گرفت. به تعقیب کودتای نظامی در سوریه در سال ۱۹۴۹ توسط (سی آی ای)، یک عملیات دیگر (سی آی ای) به مقصد سرنگونی حکومت "محمد مصدق" در ایران صورت گرفت (برای تأمین کنترل غرب بالای ذخائر نفت این کشور). عین طرح یا مدل تا امروز ادامه دارد: سرنگونی "معمر قذافی" رهبر لیبیا در سال ۲۰۱۱، حذف "محمد مُرسی" در مصر در سال ۲۰۱۳، و جنگ متداوم علیه "بشار اسد" در سوریه. نزدیک به هفت دهه، ایالت متحده آمریکا و متحدان آن بار ها یا خود مداخله کرده اند، یا گروه های بومی را، جهت سرنگونی دولت های سرکش [بخوانید خود مختار] تقویت نموده اند.

سلاح در اختیار افراد نا مناسب:

همچنان قدرت های غربی، کشور های منطقه را از طریق فروش اسلحه به ارزش میلیارد ها دالر مسلح ساختند. در تمام این مناطق، آمریکا پایگاه های نظامی ایجاد کرد و بار ها عملیات های شکست خورده سازمان (سی آی ای) باعث شد، که دشمنان خشن آمریکا و اروپا دیپو های بزرگ سلاح را به تصرف خود درآوردند.

بنا بر این، زمانی که غرب از اعراب و دیگران در منطقه می پرسد، که چرا توانائی حکومتداری بالای خود را ندارند، باید آماده شنیدن پاسخ ذیل باشند:

" یک قرن تمام با مداخله گری های تان، نهاد های دموکراتیک را تضعیف کردید (طوری که نتایج انتخابات را در الجزایر، فلسطین، مصر و کشور های دیگر نادیده گرفتید)، بار ها جنگ را توسعه دادید، جنگ هایی که حالا وضعیت دائمی را به خود گرفته اند؛ برای اهداف شوم تان، خشن ترین گروه های جهادگران را با سلاح مجهز ساختید و میدان های کشتار را به وجود آوردید، میدان هایی که امروز از بامگو الی کابل کسترش دارد".

چه باید کرد، تا یک شرق میانه جدید به وجود آید؟ پنج اصل باید در نظر گرفته شود:

مهمتر از همه و در قدم اول، باید ایالت متحده امریکا عملیات های مخفی (سی آی ای) را جهت سرنگون ساختن یا بی ثبات ساختن دولت ها در سراسر جهان متوقف سازد. (سی آی ای) در سال ۱۹۴۷ برای دو هدف تأسیس شد. یکی از این اهداف قابل توجیه ست (جمع آوری اطلاعات)، و دیگر آن (عملیات های مخفی جهت سرنگونی دولت هایی که علیه منافع امریکا موقف «دشمنانه» دارند) افتتاح است. رئیس جمهور امریکا توان این را دارد، و باید توسط "فرمان مستقیم" به این عملیات های مخفی خاتمه دهد - و به این ترتیب به تمام شکست ها و هرج و مرج هایی که ناشی از میراث [عملیات های مخفی ست] پایان دهد.

شکست "ائتلاف خواستاران"

در قدم دوم، باید اهداف سیاست خارجی امریکا در منطقه - که بعضی اوقات قابل توجیه ست - در چهارچوب شورای امنیت ملل متحد تحت پیگیری قرار گیرند. در حال حاضر ستراتیژی "ائتلاف خواستاران" تحت رهبری امریکا نه تنها شکست خورده، بلکه باعث شده، که حتی اهداف قابل احترام امریکا - مبارزه علیه "دولت اسلامی- داعش" توسط رقابت های جیوپولیتیک مسدود یا محدود گردد. *



طبق نظر "جفری زاکس": اکثریت رژیم های اسلامگرای که توسط انتخابات به وجود می آیند، دیر یا زود دوباره قدرت را از دست می دهند - یا در انتخابات بعدی، یا [توسط تظاهرات] به روی سرک ها، یا توسط جنرال ها در کشور. اما تلاش های مکرر غرب، جهت متوقف ساختن همه دولت های اسلامگرا، فقط از انتقال دموکراسی در منطقه جلوگیری می کند؛ بدون به دست آوردن موفقیت یا سود درازمدت.

اگر امریکا ابتکارات سیاست های خارجی خود را با رأی شورای امنیت ملل متحد به تصویب برساند، تا حد زیاد بهره مند خواهد شد. زمانی که شورای امنیت در سال ۲۰۰۳ جنگ عراق را رد کرد، به فایده امریکا می بود، اگر از تهاجم بالای عراق منصرف می شد. زمانی که روسیه - عضو دائمی شورا با حق وتو - علیه سرنگونی "بشار اسد" رئیس جمهور سوریه ایستادگی کرد، به نفع امریکا می بود، اگر به تلاش های کودتای مخفی خاتمه می داد. و در حال حاضر می توانست، تمام شورای امنیت از یک پلان جهانی مبارزه علیه "داعش" حمایت کند (اما نه از پلان امریکا).

رژیم های منتخب اسلامی شکست خواهند خورد

در قدم سوم، ایالات متحده امریکا و اروپا باید این واقعیت را بپذیرند، که دموکراسی در شرق میانه، پیروزی های انتخاباتی اسلامگرایان را در پی خواهد داشت. بسیاری از رژیم های اسلامگرا به شکست مواجه خواهند شد، مانند بسیاری از دولت های بد. اینها قدرت را بار دیگر از دست خواهند داد، یا در انتخابات بعدی، یا روی سرک ها [تظاهرات] یا توسط جنرال های نظامی در کشور. اما تلاش های مکرر غرب، جهت متوقف ساختن همه دولت های اسلامگرا، فقط از انتقال دموکراسی در منطقه جلوگیری می کند؛ بدون این که موفقیت یا سود درازمدت را به بار آرد. در قدم چهارم، باید رهبران دولت ها، از ساحل در شمال افریقا و شرق میانه الی آسیای مرکزی درک کنند، که مهم ترین مشکل جهان اسلام امروز در کیفیت تعلیم و تربیت نهفته است. در بخش های مانند علوم، ریاضیات، نوآوری فنی، تجارت، توسعه شرکت های تجاری کوچک و (به این ترتیب) ایجاد اشتغال، این منطقه به مراتب از کشور های با درآمد متوسط، عقب مانده است. بدون تعلیم و تربیت با کیفیت، امید به یک دورنمای رفاه اقتصادی و ثبات سیاسی وجود ندارد.

عوامل محیط زیست

و در نهایت، باید این منطقه، علیه آسیب پذیری استثنائی خود، از جهت آسیب های محیط زیستی و وابستگی بیش از حد خود به هیدروکربن کار هائی انجام دهند. مخصوصاً، حالا که سوق جهانی به منابع انرژی با کمترین مواد کاربن جریان دارد. این منطقه دارای اکثریت نفوس مسلمان، از غرب افریقا گرفته تا آسیای مرکزی، بزرگترین و پُرنفوس ترین مناطق خشک یا بدون آب جهان است - منطقه ای به طول هشت هزار کیلومتر با مشکلات کمبود آب، بیابان زائی، افزایش گرما و کمبود مواد غذایی.

این ها اند مشکلات واقعی شرق میانه. اختلافات مذهبی، تفرقه بین سنی و شیعه و یا آینده سیاسی "اسد"، به مقایسه با فقدان آموزش های با کیفیت، مهارت های کاری، یا به مقایسه با تکنیک های پیشرفته و توسعه پایدار، برای این منطقه چندان مهم نیست.

این همه متفکر شجاع و مترقی در جهان اسلام باید کمک کنند، تا جامعه شان را از این واقعیت ها آگاه سازند و انسان های خیرخواه تمام جهان باید به آنها کمک کنند، تا بتوانند، در قالب همکاری های صلح آمیز، به همه قلب کاری ها و جنگ های امپریالیستی پایان دهند.

Qantara.de منبع:

© Project Syndicate 2015

*افزوده مترجم:

در این مقاله برای من دو نکته قابل تأمل است:

یکی این که، فردی که اینقدر واضح و بی پرده در باره استعمار و ویرانگری های غرب در جهان می نویسد، چطور می تواند در عین زمان از " **اهداف قابل احترام امریکا - مبارزه علیه "دولت اسلامی- داعش"** بنویسد. آیا او نمی داند که داعش خود یک پروژه امریکائی ست؟ طبعاً که می داند.....

دوم این که، زمانی این طرز تفکر برای انسان ها خطرناک می شود، که متفکر آن در بالاترین مقام جهانی مشغول "مشوره دادن" باشد.